

طالب حقیقتا جمهور ناس بزبان مفتون حقیقتند و مخمور باده محبت ولی چون میدان امتحان آید از حقیقت فرار کنند و از مرکز هدایت هزار فرسنگ دوری جویند حتی گروه مکروه ظالمان در صحرای کربلا بظاهر خدا گو و خدا جو بودند ولی بحقیقت بد رو و بد خو و بد گو عاشقان را دلیل آه و فغانست و مشتاقان را سبیل چشم گریان و ناله پنهان و دل سوزان ماهی لب تشنه را اضطراب و انقلابست و پروانه زار را افروختگی و سوختگی پر و بال لهذا این مدعیان کاذبند و این طالبان غافل مگر نفسی که شمع روشن باشد و پروانه شمع انجمن گردد شب و روز بکوشد و بجوشد و بخروشد تا نور حقیقت را از مطلع انوار مشاهده نماید و سر احدیت را از ملکوت اسرار استماع کند تو حمد کن خدا را که بادیه طلب پیمودی و گوی هدایت از این میدان ربودی ندای حق شنودی و همواره رو بصعودی این موهبت کوکب درخشندهء عالم انسانست و این عنایت کام دل و راحت جان در دو جهان